

بررسی راهکارهایی برای افزایش میزان آمادگی و پیشرفت زبانی دانش آموزان در پایه اول ابتدایی در مناطق دو زبانه

نورمحمد براهویی مقدم^۱

پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۵

دریافت: ۹۸/۱۰/۹

چکیده

دو زبانی پدیده ای جهانی است که در اکثر کشورهای جهان وجود دارد، اصطلاح دو زبانی به استفاده منظم از دو زبان و یا بیشتر اطلاق می شود که با مفهوم فردی و اجتماعی به کار می رود. چگونگی ارتباط میان دو زبانی و تعلیم و تربیت از موضوعات مهمی است که امروزه سیاست گذاران آموزشی، برنامه ریزان، روان شناسان، زبان شناسان و معلمان با آن مواجه هستند. نتایج پژوهش ها نشان می دهد که دو زبانی در کشور ما همچون سایر کشورهای چند زبانه، از مسایل بحث برانگیز است و کودکان دو زبانه در بدو ورود به مدرسه به دلیل کنار گذاشتن زبان مادری و به تبع آن ناتوانی در درک مطلب، با خطر افت تحصیلی و ترک تحصیل مواجه می شوند. به نظر می رسد برای کاهش اثرات این گونه مشکلات می توان در کوتاه مدت از تجارب، پیشنهادات و ابتکارات آموزگاران استفاده کرد. به همین منظور در این تحقیق سعی گردیده است تا با جمع آوری و جمع بندی خاطرات، تجارب و پیشنهادات ارزنده آموزگاران که در دوره کارشناسی ضمن خدمت در پردیس های رسالت و مطهری استان سیستان و بلوچستان مشغول به تحصیل اند و نیز آموزگاران زاهدانی که چند سالی را در مناطق روستایی و عشایری استان خدمت کرده اند، راهکارهایی مؤثر در جهت کاهش مشکلات زبانی دانش آموزان در مناطق دو زبانه ارائه گردد.

کلید واژه ها: راهکار، مشکلات زبانی، دانش آموزان، آموزگاران، مناطق دو زبانه.

۱. عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، nmbarahoei@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

هزاره سوم عصر چندزبانی و چندفرهنگی است و زبان ابزار قدرت و وسیله ای برای ارتباط انسانی است. هر زبانی دنیای جدیدی به روی انسان ها می گشاید. زبان وسیله اصلی ارتباط، تفهیم، تفاهم و شفاف سازی است؛ این وسیله ارتباطی، فرآیند یادگیری و ایجاد ارتباط میان دانش آموزان با معلمان در مدارس دو زبانه را تحت الشعاع قرار داده است. تکلم به دو زبان به طور متناوب، دوزبانگی نامیده می شود. همچنین از فردی که این عمل را انجام می دهد با عنوان دوزبانه یاد می شود. دوزبانگی حالتی است که در آن فرد به زبان دیگری غیر از زبان مادری خود آموزش ببیند. زبان مادری اولین زبانی است که فرد آموخته و بدان تکلم می کند. این زبان عامل مهم رشد شخصیت و درک عناصر فرهنگی و اجتماعی محیط و شکل گیری هویت فرد می باشد (خدیوی، ۱۳۸۸).

دوزبانگی همواره از مسایلی است که بر فرآیند آموزش و یادگیری افراد جامعه ی خود تأثیر دارد و پدیده ای است که در همه ی نقاط جهان مصداق دارد و افراد دوزبانه می توانند بر حسب مورد از آن زبان ها در رفع نیازهای ارتباطی خود استفاده کنند. این پدیده بیشتر ماهیتی میان رشته ای دارد و مورد توجه جامعه شناسان، روان شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت است (شریف و همکاران، ۱۳۹۱).

آنچه از بررسی تعاریف و نظریه های موجود درباره دوزبانگی حاصل شده است، نشان می دهد که دوزبانگی در سنین کودکی تجربه قابل توجهی است که می تواند در رشد و بهره وری قدرت مغزی کودک نقش بسزایی ایفا کند. جالب توجه ترین نتیجه حاصله این است که این تأثیرات به زمینه های زبانشناختی محدود نمی شوند، بلکه توانایی های شناختی کودک را نیز در بر می گیرد (حمادی و همکاران، ۱۳۹۷). در کشور ما تعداد زیادی از دانش آموزان با تسلط به زبان قومی و مادریشان و با آشنایی اندک به زبان فارسی، وارد دبستان می شوند. یعنی همه کودکان در سنین شش یا هفت سالگی وضعیت زبانی یکسانی ندارند و تسلط آنان به زبان فارسی به یک اندازه نیست (احتشامی و موسوی، ۱۳۸۸). برابر آمارهای موجود در کشور ما، زبان مادری حدود نیمی از مردم، فارسی است. نیمی دیگر با زبان ها و گویش های متناوب محلی مانند ترکی، لری، کردی، بلوچی، عربی و ... تکلم می کنند. چندزبانگی در ایران یک امر فراگیر است و به مناطق خاص و محدودی اختصاص ندارد (قوامی لاهیج و قوامی لاهیج، ۱۳۸۸).

طبق دیدگاه زبانشناسان، در سنین سه تا پنج سالگی تقریباً همه کودکان به یک زبان تسلط می یابند. فراگیری زبان یک پدیده کاملاً طبیعی است که با وجود پیچیدگی های بسیار، پیدایش آن در حیات کودک بسیار ساده به نظر می رسد، اما از این پیچیده تر و شگرف تر، توانایی برخی کودکان در یادگیری همزمان دو یا چند زبان است. در همان محدوده زمانی که یک کودک تک زبانه، زبانی را می آموزد، یک کودک دو یا چندزبانه باید به یادگیری دو یا چند زبان همزمان با هم پردازد و آن ها را در موقعیت های اجتماعی متفاوت و مناسب به کار گیرد (حسینی، ۱۳۸۹).

دوزبانه بودن مدارس در صورتی که شرایط و بسترهای لازم برای شکوفایی استعدادها و افزایش توانمندی ها فراهم باشد به عنوان یک مزیت مطرح می شود. چنان که به استناد آزمایش های «کاترین مونت» زبانشناس بلژیکی، عملکرد مغزی دو زبانه ها به مراتب سریع تر از تک زبانه ها در حل مسائل مشابه است. اما گاهی دو زبانه بودن مدارس در خلاء بسترها و شرایط لازم برای رشد و شکوفایی، مساله ساز می شود (فیاضی، ۱۳۹۳). در حالی که از زبان به عنوان یک ابزار ساده و در دسترس برای یادگیری و ارتباط یاد می شود اما این ابزار در برخی از مناطق کشور نمی تواند به درستی کارکرد خود را انجام دهد زیرا زبان رایج در این مناطق با زبان رسمی کشور تفاوت های فراوانی دارد. در این شرایط کودک ناچار هست در نخستین روزهای ورود به محیط

آموزشی با زبانی تکلم کند که با آن آشنایی ندارد؛ مشکلی که با آسیب‌هایی مانند اُفت تحصیلی و انزوای آنها همراه می‌شود. اُفت تحصیلی این گروه از دانش‌آموزان نه به خاطر میزان بهره‌مندی از هوش، بلکه در نتیجه استفاده از ابزار متفاوت برای یادگیری می‌باشد که با ابزار ارتباطی دیگر همسالان آنها متفاوت است. مشکل این گروه از دانش‌آموزان از شکاف و تفاوت زبان آموزشی (زبان معلم) با زبان مادری ناشی می‌شود؛ آنان در ابتدا به درستی نمی‌توانند به زبان معلم یا به عبارتی زبان آموزشی صحبت و با وی ارتباط کلامی و ادراکی برقرار کنند. البته چنین تفاوت معنا داری در زبان تنها برای دانش‌آموز مشکل ایجاد نمی‌کند، بلکه معلمان غیر بومی این مناطق هم برای تدریس با مشکلات فراوانی روبرو هستند (بلوچ زهی، ۱۳۹۶).

ایران کشوری با تنوع گویشی فراوان است، سرزمینی که تعداد زیادی از دانش‌آموزان از اقوام مختلف بلوچ، کرد، ترک، لر و ... که آشنایی اندکی به زبان فارسی دارند، به دبستان وارد می‌شوند. اما از گذشته تا کنون، نظام آموزشی ما با همه‌ی این کودکان برخورد زبانی واحدی داشته است و همه آنان را فارسی زبان می‌داند (تامرادی منگنانی، ۱۳۹۶). با این شرایط و روند عملی آن، وجود اختلالات آموزشی به واسطه وضعیت‌های متفاوت اجتناب‌ناپذیر است، زیرا زبان، یعنی ابزار و شرط اصلی آموزش در اینجا به سدی بدل شده است، که خود به عنوان مانع آموزش و انتقال اطلاعات عمل می‌کند و باز به همین اکتفا نمی‌کند و عامل مشکلات عاطفی و روانی تعداد زیادی از دانش‌آموزان غیر فارسی زبان می‌شود (احتشامی و موسوی، ۱۳۸۸). این موضوع برای مسئولان آموزش و پرورش کشور حاوی پیام مهمی در زمینه تأکید بر تعلیم و تربیت ویژه افراد دوزبانه است. بخصوص زمانی که بدانیم کودکان دبستانی از نظر آموزشی آسیب‌پذیرترین قشرهای دوزبانه هستند، اهمیت موضوع بیش از پیش محرز می‌گردد. بنابراین شناسایی چگونگی عملکرد زبان‌ها در افراد دوزبانه می‌تواند به عنوان گامی بنیادی در زمینه حل مشکلات این گونه دانش‌آموزان باشد (قوامی لاهیج و قوامی لاهیج، ۱۳۸۸).

آن دسته از کودکان که بدون کمترین آشنایی قبلی به زبان فارسی، وارد دبستان می‌شوند و ناچارند بدون تسلط بر ابعاد شفاهی زبان فارسی، ابعاد نوشتاری یعنی خواندن و نوشتن آن را بیاموزند، شک نیست که این کودکان در دبستان عملکرد مناسبی نخواهند داشت و در سال‌های اول ورود به مدرسه، با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند. عده زیادی از آنان در طی سال‌های بعد، به دلیل نداشتن تسلط کافی به زبان آموزشی، دروس دیگر را نمی‌فهمند و به لحاظ علمی عقب می‌مانند (احتشامی و موسوی، ۱۳۸۸).

یکی از علل کلیدی مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در کشور ما، یادگیری درس زبان فارسی است. زیرا با یادگیری این درس است که دانش‌آموز، باسواد شده و برای یادگیری سایر دروس اقدام می‌کند. پس چون زبان فارسی کلید همه یادگیری‌هاست، این احتمال وجود دارد که یکی از علل مردودی و عدم پیشرفت تحصیلی و تکرار پایه، نارسایی در یادگیری زبان فارسی باشد. خواندن و نوشتن به ویژه در دوره ابتدایی اساسی‌ترین وسیله یادگیری و حل مسأله است. با توجه به نقش دوران ابتدایی به عنوان پایه یادگیری کودکان در نظام آموزش و پرورش و همچنین اهمیت زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور، و با در نظر گرفتن جمعیت عظیم کودکان غیرفارسی زبان در سطح کشور، لزوم بررسی این پدیده در فرایند آموزش ابتدایی بیش از پیش احساس می‌شود. بنا بر این پدیده‌ی دوزبانگی درحالی که می‌تواند یک فرصت برای دانش‌آموز باشد و دانش‌آموز دوزبانه با داشتن پشتوانه‌ی گنجینه‌ی لغات دو زبان در اجتماع و محیط آموزشی نمود بیشتری پیدا کند، اما در کشور ما تبدیل به یک معضل شده است (افشاری و همکاران، ۱۳۹۵).

شایان ذکر است که محقق سال‌های متمادی مدرس دوره‌های آموزش معلمان دوره ابتدایی بدو استخدام در استان سیستان و بلوچستان بوده است. وی در حال حاضر در دانشگاه فرهنگیان این استان، دروس آموزش و بررسی کتب علوم دوره ابتدایی را

تدریس می کند. استان سیستان و بلوچستان به ویژه مناطق جنوبی آن از مناطق دوزبانه محسوب می شود. با توجه به مباحث مطرح شده در بخش مقدمه این پژوهش، از نظر محقق یکی از مشکلات آموزشی این استان در دوره ابتدایی به ویژه در پایه ی اول را می توان وجود پدیده دوزبانگی دانست. در روستاهای مرزی و مناطق عشایری استان دانش آموزانی داریم که تا پایه های چهارم و پنجم ابتدایی درس می خوانند، اما هنوز به زبان فارسی مسلط نیستند. بدیهی است تا زمانی که دانش آموزان این مناطق نتوانند به زبان برنامه درسی که زبان ملی است تسلط پیدا کنند، امکان موفقیت تحصیلی را نخواهند داشت. از این رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ گویی به این سوال است که آموزش دانش آموزان دو زبانه برای آموزگاران چه معنایی دارد؟ آموزگاران آموزش دانش آموزان دو زبانه را در کار خود چگونه و به چه نحوی تجربه کرده اند (مسائل، مشکلات و چالش ها)؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که آموزش و پرورش در کشور ما به زبان فارسی صورت می گیرد، گروهی بزرگی از فراگیران مناطق مختلف کشور بدون پیش زمینه ی زبان فارسی وارد محیط آموزشی شده و درصدد فراگیری دانش بر می آیند. گاهی عدم تسلط بر زبان فارسی، سایر آموزش های این فراگیران را تحت تاثیر قرار می دهد و درک مطلب و مفاهیم را برای آن ها دشوار می سازد. ترجمه اصطلاحات و لغات از طرف آموزگار در بعضی موارد غیر ممکن است و یا حداقل بصورت بایسته منتقل نمی شود. حتی در برخی موارد آموزگاران این گروه از دانش آموزان با آن ها هم زبان نیستند. لذا عدم تسلط بر مفاهیم و اصطلاحات فارسی و کمبود گنجینه لغات فارسی، قدرت فهم آنها را از متون فارسی کاهش خواهد داد. در ایران علی رغم این که، وزارت آموزش و پرورش با توجه به دوزبانه بودن بخش بزرگی از کودکان ایرانی با اجرای طرح کلاس های آمادگی قبل از دبستان درصدد کاهش اثرات منفی دوزبانگی بر پیشرفت کودکان برآمده است، اما باید اذعان کرد، تا زمانی که کودک در زبان فارسی مهارت پیدا نکرده باشد، تغییرات مطلوب تدریجی که هدف تعلیم و تربیت است در او ایجاد نخواهد شد. این مساله زمانی شکل حادثری به خود خواهد گرفت که زبان تکلم کودک (زبان مادری) با زبان آموزشی او یکی نباشد. از این رو، بدون تردید، دوزبانگی یا چند زبانی یکی از مسایل خطیر نظام آموزشی کشور ما است که معضلات عدیده ای را در آموزش رسمی به ویژه در سال های نخست ایجاد کرده است (مدرس، ۱۳۸۸، محمدی، ۱۳۹۳).

به باور محقق، در مناطق دو زبانه، مشکل دانش آموزان پایه های اول و دوم تنها در درس بخوانیم و بنویسیم نیست، بلکه آن ها در همه ی دروس با مشکل مواجه هستند. دانش آموزی که به صورت آموزگار خیره می شود و با لبخند آموزگار، او هم لبخند می زند و فقط حرکات ظاهری آموزگار را می فهمد، کلاس درس برایش زجرآور و خسته کننده است. بیشتر دانش آموزان مناطق دوزبانه فقط زنگ اول قدرت تحمل مدرسه را دارند و خیلی از آن ها زنگ های دوم و سوم برای رفتن به خانه بی تاب می کنند.

بنابراین ضرورت انجام تحقیق و پژوهش حاضر را می توان به شرح زیر بیان کرد:

الف) کثرت مناطق دو زبانه و خیل عظیم دانش آموزان دو زبانه در ایران، نیاز به مطالعه ی هر چه بیشتر و عمیق تر این پدیده را می طلبد.

ب) اگر مشکلات آموزشی در مناطق دو زبانه نادیده گرفته شود، فقدان هماهنگی زبانی، سایر آموزش های فراگیران را نیز تحت تاثیر قرار می دهد و درک مطلب و مفاهیم و حتی مهارت های زندگی را برای آن ها دشوار می سازد.

ج) دوزبانگی در حالی که می تواند یک فرصت باشد و دانش آموزان دو زبانه با داشتن پشتوانه زبانی و گنجینه لغات دو زبان در اجتماع و مدرسه بدرخشند، متأسفانه به دلایل مختلف در حال تبدیل شدن به یک معضل است.

پیشینه تحقیق

در سال های اخیر مطالعات زیادی در ارتباط با چالش ها و مشکلات و موانعی که بر سر راه دانش آموزان مناطق دو زبانه به خصوص در پایه اول دبستان وجود دارد، و ناشی از پدیده دو زبانی است، انجام شده است. نتایج این پژوهش ها نشان می دهد که در اغلب موارد، موانع و مشکلات بر سر راه آموزش زبان فارسی در مناطق دو زبانه، همواره یکی از علل افت تحصیلی در کشور به خصوص در مناطق بومی و محروم بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش ها، موانع و مشکلات عمده در این ارتباط، عبارت اند از:

۱- عدم آشنایی با زبان فارسی پیش از ورود دانش آموزان دو زبانه به دبستان: کودکان مناطق دو زبانه پیش

از حضور در کلاس درس هیچ تمرینی بر روی زبان فارسی ندارند و دایره لغات و واژگان فارسی آن ها تقریباً صفر است و اینجاست که لزوم آمادگی این کودکان قبل از شروع دبستان مطرح می شود. چرا که کتاب های آموزشی در مدارس برای یادگیری مکالمه زبان فارسی طراحی نشده اند و فقط مخصوص فراگیری خواندن و نوشتن زبان فارسی هستند (مصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۶).

۲- عدم آموزش زبان فارسی از طریق مکالمه قبل از آموزش خواندن و نوشتن: زبان اصلی دانش آموزان

دو زبانه همان زبانی است که با آن تکلم می کنند. مثلاً برای کودکی که در خوزستان زندگی می کند زبان اصلی عربی است و برای کودکی که در بلوچستان زندگی می کند زبان اصلی بلوچی است. این در حالی است که نظام آموزشی اصرار دارد تا زبان فارسی را به عنوان زبان اصلی به آن ها یاد دهد. متأسفانه قبل از این که مکالمه زبان فارسی را به این دانش آموزان یاد دهیم سعی می کنیم که در کلاس اول دبستان خواندن و نوشتن زبان فارسی را به آن ها بیاموزیم و از آن ها امتحان بگیریم. این یکی از مشکلات اصلی آموزش زبان فارسی به دانش آموزان دو زبانه است. کودکی که در ۶ سال نخست عمر خود هیچ وقت فارسی صحبت نکرده اند، کودکی که دایره لغات و واژگان فارسی آن ها نزدیک به صفر است حالا باید سعی کنند خواندن و نوشتن فارسی را بیاموزند (درمان، ۱۳۹۳).

۳- عدم برقراری ارتباط کلامی معلمان غیر بومی با دانش آموزان: اگرچه بسیاری از مسئولان بر این باورند که

راه اندازی مدارس دو زبانه می تواند فهم زبان فارسی را برای دانش آموزان مناطق دو زبانه آسان تر کند، اما بسیاری از معلمان غیر بومی نمی توانند با دانش آموزان سخن بگویند. عدم برقراری ارتباط کلامی با دانش آموزان بومی، فهم زبان و درک احساسات دانش آموزان، بخش بزرگی از مشکلات معلمان غیر بومی است. معلمان غیر بومی نه تنها از انتقال مفاهیم آموزشی و بیان تکالیف دانش آموزان عاجز هستند بلکه در درک احساسات دانش آموزان نیز ناتوانند (مصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۶).

۴- عدم دسترسی بسیاری از دانش آموزان دو زبانه به وسایل ارتباط جمعی: برخی از دانش آموزان به واسطه

دسترسی به وسایل ارتباط جمعی همچون تلویزیون وضعیت بهتری دارند. دانش آموزانی که در خانه های خود تلویزیون دارند و کارتون و فیلم تماشا می کنند، بهتر می توانند فارسی صحبت کنند. اما توسعه نیافتگی روستایی و محرومیت های اجتماعی موجب شده تا کودکان مناطق محروم از امکانات ارتباطی مانند تلویزیون و برخی مجلات و نشریات کودک محروم باشند. در این شرایط دانسته ها و آموخته های کودک تنها به محیط خانه و اطرافیان وی محدود و تصور دنیای خارج برای آنان سخت می شود (عصاره، ۱۳۹۲).

۵- موانع ارتباط زبان کتاب درسی با ویژگی های زبانی منطقه ای و بومی: در زمینه ارتباط زبان کتاب با زبان بومی دانش آموز می توان به کیفیت کتاب های فارسی اشاره کرد که لازم است به گونه ای باشند که شاگرد قادر به تمایز میان اقسام گوناگون کلمه و اجزای آن باشد و به عبارت دیگر، تنها صحبت کردن به زبان رسمی برای دانش آموز دو یا چندزبانه مدنظر نباشد، بلکه باید این توانایی را به دست بیاورد که بتواند زبان کتاب را بفهمد و با آن ارتباط برقرار کند. همچنین قدرت جمله بندی و تمایز کلمات را از هم داشته باشد و نیز توانایی ساخت جمله های متفاوت را طبق قواعد زبان دوم بیاموزد (قادری و همکاران، ۱۳۹۶).

۶- نظام آموزشی متمرکز و دشواری متن کتاب های درسی: در ایران به سبب متمرکز بودن نظام آموزشی، روش های آموزشی کاملاً مشخص شده اند و این مسئله سبب سهولت کار برنامه ریزان، مجریان و دست اندرکاران آموزشی شده است، اما تنوع فرهنگی و گوناگونی زبان در مناطق مختلف ایران مشکلاتی را به بار آورده است که بیشترین بخش آن گریبان گیر معلمان است چرا که آن ها باید مطالبی را آموزش دهند که با فرهنگ، زبان و آداب و رسوم آن مناطق هیچ گونه همخوانی ندارد، به ویژه در کتابی همچون کتاب فارسی از جملات و کلماتی استفاده شده که به زبان فارسی معیار است و این برای دانش آموزانی که دوزبانه هستند یا در مناطق دور افتاده زندگی می کنند، مشکل آفرین است. متون درسی را باید با توجه به امکاناتی که در هر منطقه وجود دارد و رسانه های ارتباطی موجود در آن منطقه و سطح سواد افراد تنظیم کرد، حال آن که کتاب ها در سطح کشوری چاپ می شوند (قادری و همکاران، ۱۳۹۶).

۷- عدم انطباق میان درک و فهم زبان مادری و زبان دوم: از آنجا که بیشتر دانش آموزان پیش از ۶ سالگی با محیط آموزشی و بالطبع با زبان رسمی آشنایی چندانی ندارند، بنابراین وقتی که برای آموزش رسمی وارد مدرسه می شوند احساس بیگانگی و سردرگمی می کنند، زیرا محیط مدرسه با محیط زندگی آنان متفاوت است و در آنجا به زبان دیگری صحبت می شود. در بعضی مواقع همین تفاوت سبب از بین رفتن اعتماد به نفس دانش آموز و ایجاد ترس در او می شود. بنابراین دانش آموزان دو یا چندزبانه نیاز به ایجاد هماهنگی و همپوشانی میان زبان خود و زبان مدرسه دارند و این وظیفه معلم و محیط آموزشی است که با اقدامات مناسب این امکان را فراهم سازند (کلانتری، ۱۳۹۰ و فیاضی، ۱۳۹۳).

۸- چند زبانه بودن دانش آموزان: در اکثر مناطق دو زبانه هر ساله تعداد زیادی از کودکان از تحصیل در مقطع ابتدایی باز می مانند و دلیل آن هم به خاطر مشکلات فقط یک زبان (زبان فارسی) است. در برخی از مناطق نه تنها دانش آموزان دو زبانه نیستند بلکه چند زبانه هستند. برخی از مناطق چندین طایفه دارند که هر کدام از این طایفه ها از لهجه های متفاوتی برخوردارند و نه تنها در زبان فارسی، بلکه در زبان دوم هم مشکل دارند. (بریچی، ۱۳۹۵).

با توجه به تعدد مطالعات انجام شده در مورد مشکلات ناشی از پدیده دو زبانی در سال های اولیه دبستان، به نظر می رسد، مشکلات ناشی از مسئله دوزبانگی، موضوعی جدی و گسترده است که هم بر اهمیت و ضرورت توجه بیشتر به این موضوع (مشکلات و موانع بر سر راه پیشرفت زبانی دانش آموزان دو زبانه) می افزاید و هم نیاز به مطالعه و بررسی بیشتر را می طلبد. از این رو در پژوهش حاضر نیز به بخش هایی از محدودیت ها و موانع موجود، پرداخته شده و مواردی از راهکارهای آموزشی که حاصل تجربه معلمان شرکت کننده در این پژوهش می باشد، برای حل مشکلات و موانع موجود در سر راه پیشرفت زبانی دانش آموزان پایه اول ارائه گردیده است.

روش تحقیق

روش به کار گرفته شده در این تحقیق، تحلیل روایتی است. پژوهش روایتی یک راهبرد پژوهشی است که پژوهشگر به کمک آن زندگی افراد را مطالعه می کند و از یک یا چند نفر می خواهد که داستان های زندگی خود را بیان کنند. سپس، این اطلاعات توسط پژوهشگر به صورت روایت زمانی، بازگویی یا بازسازی می شوند (کرسول، ۱۳۹۱).

ابزار پژوهش در این نوع تحقیق می تواند داستان، شرح حال، خاطره، یادداشت ها، نامه ها، گفتگو، مصاحبه، داستان های خانوادگی، عکس ها و تجارب زندگی باشد (قادری و همکاران، ۱۳۹۶). ابزار گردآوری داده ها، در پژوهش حاضر، مصاحبه روایتی بوده است. مشارکت کنندگان در این پژوهش، آموزگاران بودند که در دوره کارشناسی ناپیوسته آموزش ابتدایی در پردیس های رسالت و شهید مطهری زاهدان (ورودی های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷) مشغول به تحصیل بودند. سابقه تدریس این معلمان از ۵ تا ۲۸ سال متغیر بود که همگی حداقل ۵ سال در مناطق روستایی و با دانش آموزان بلوچ زبان ارتباط داشته اند. علاوه بر این، از نظرات تعدادی از آموزگاران زاهدانی که چند سالی را در مناطق روستایی و عشایری استان خدمت کرده اند، نیز استفاده شده است. برای ادراک چستی و چگونگی آموزش دانش آموزان دو زبانه، با این آموزگاران مصاحبه کرده و از آن ها درخواست شد تا تجربه ی شخصی خود را از آموزش دانش آموزان دوزبانه بیان کنند.

یافته های تحقیق

نظرات هر یک معلمان در مورد چالش ها و مشکلات سواد آموزی دانش آموزان به خصوص در پایه اول و راهکاری که برای حل این معضل به کار برده اند، یادداشت گردیده و نکات مهم این مصاحبه ها استخراج گردید. در نهایت با توجه به امکانات، محدودیت ها و موانع موجود، راهکارهای آموزشی زیر برای پیشرفت زبانی دانش آموزان پایه اول به شرح زیر ارائه گردید.

۱- آموزش زبان فارسی، پیش از ورود به دبستان مهم ترین نیاز دانش آموزان دو زبانه : یادگیری زبان و جایگزینی آن به جای آموزش پیش دبستانی از جمله برنامه هایی است که آموزش و پرورش برای رفع مشکلات زبان آموزی دانش آموزان از سال ۱۳۹۵ تا کنون در نظر گرفته است. آموزش و پرورش امید دارد تا با توسعه دوره های پیش دبستانی بتواند وضعیت آموزشی دانش آموزان دوزبانه را بهبود بخشد.

۲- بومی سازی کتاب های پیش دبستانی : یکی دیگر از برنامه هایی که آموزش و پرورش برای رفع مشکلات زبان آموزی دانش آموزان باید در نظر بگیرد، بومی سازی کتاب های پیش دبستانی است. کتاب های درسی بیشترین تاثیر را بر دو زبانه ها، آن هم در پایه های اول و دوم ابتدایی می گذارد. بنابراین محتوای آن ها را باید بومی سازی کرد و نظام برنامه ریزی را از حالت متمرکز به غیر متمرکز تغییر داد.

۳- ایجاد مراکزی جهت برگزاری دوره های آمادگی مخصوص دانش آموزان دوزبانه: که شرط ثبت نام در پایه اول دبستان داشتن گواهی از این مراکز باشد. در نظام آموزشی ما برای اتباع خارجی و کودکان استثنایی مدارس ویژه داریم اما در این سیستم، کودکان دو زبانه به فراموشی سپرده شده اند و این می تواند یک آسیب جدی محسوب شود .

۴- لزوم اجرای سیاست بومی گزینی معلمان و تربیت معلمان ویژه و استفاده از معلمان بومی آن منطقه : حساسیت مناطق دوزبانه ایجاب می کند که معلمان شاغل در این مناطق، به منظور ارتباط بهتر با دانش آموزان، و انتقال صحیح

مواد و محتوای آموزشی، تا حدودی با زبان بومی و آداب و سنت های منطقه محل خدمت خود آشنا باشند. در روستاهای مناطق جنوبی بلوچستان، معلمان غیر بومی با مشکلات فراوانی روبرو هستند که مهم ترین آن در پایه اول ابتدایی می باشد، به طوری که دانش آموزان به دلیل تفاوت زبانی حتی از درک برخی از مفاهیم اولیه آموزش به زبان رسمی ناتوان هستند.

۵- برگزاری و ارایه آموزش های جبرانی ویژه دانش آموزان دوزبانه: که در پیشرفت تحصیلی این دانش

آموزان مؤثر واقع می شود. ارایه این گونه برنامه های آموزشی از طریق رسانه های گروهی، به خصوص صدا و سیما می تواند مؤثر واقع شود.

۶- هماهنگی میان زبان نوشتاری و زبان شفاهی بومی: به نظر می رسد که ایجاد هماهنگی میان زبان شفاهی بومی

و زبان نوشتاری ضروری است. معلمان بر این امر تأکید داشتند که باید قواعد جمله سازی برای دانش آموزان خوب تدریس شود و اگر آن ها دچار مشکلاتی از این قبیل شدند از آن ها نباید ساده گذشت. پیشنهاد می شود که وزارت آموزش و پرورش و مسئولان برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی، مدیران و معلمان و حتی اولیا دانش آموزان به استعدادها، توانایی ها و محدودیت های دانش آموزان توجه ویژه داشته باشند. همچنین ضروری است که برنامه ریزان و مولفان کتاب های درسی تفاوت های زبانی، قومی و محلی هر کدام از اقوام ایرانی را در تهیه متون درسی مد نظر قرار دهند تا مشکلات آموزشی این مناطق برطرف و باری از دوش معلمان برداشته شود.

۷- تدوین برنامه درسی مناسب برای مناطق دو زبانه: اکثر معلمان پیشنهاداتی مبنی بر تهیه و طراحی برنامه درسی

ویژه مناطق دو زبانه داشتند. با اجرای برنامه ی درسی زبان آموزی مناسب در مناطق دو زبانه که در آن تفاوت های زبانی، قومی و محلی هر یک از اقوام ایرانی در تهیه متون درسی مد نظر قرار گیرد، مشکلات تا حد زیادی برطرف شده و باری از دوش معلمان برداشته خواهد شد.

۸- تدوین کتاب هایی در کنار کتاب های درسی رسمی موجود که زبان مادری آن ها را نیز تقویت و

گسترش دهد (استفاده از کتاب های بومی): مطابق ماده ۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه و همچنین بیانیه ارزش ها در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تقویت گویش محلی و ادبیات بومی در مدارس به منظور تقویت هویت مشترک ایرانی-اسلامی امری ضروری دانسته شده است. از همین رو از سال ۹۴ مجوز تألیف محتوای اولین کتب درسی به زبان محلی (بومی) صادر شد و نخستین تألیف کتاب درسی با زبان کُردی کلید خورد. اما براساس نظرات برخی از معلمان، تدریس کتاب های بومی در مدارس زمانی مفید است که معلمان بومی و کاملاً آشنا به زبان بومی به کار گرفته شوند. در غیر این صورت به رغم محسناتی که دارد، می تواند بار بیشتری را بر دوش معلمان غیر بومی بگذارد. مثلاً معلمانی که تبحری در زبان بلوچی ندارند، چگونه می توانند کتاب بلوچی را به دانش آموزان تدریس کنند. ضمن این که تدریس کتاب بومی در کنار کتاب فارسی حجم کار را برای معلمان وسیع تر می کند.

۹- استفاده از فعالیت ها و مهارت ها برای گسترش گنجینه لغات و تقویت زبانی دانش آموزان از طریق

فعالیت هایی همچون موارد زیر:

الف) تهیه دفتر خلاقیت: هر نشانه ای که تدریس می شود، از کاغذهای رنگی برش زده و به دفتر خلاقیت بچسبانند. در

صفحه بعد تکه هایی از قسمت تیتراهای روزنامه را بریده، دور نشانه ای که تدریس شده یک خط بسته بکشد.

ب) تهیه کاردستی: برای برخی از حروف از دانش آموزان خواسته شود تا کاردستی تهیه کنند. مثلاً برای تدریس حرف

"س، س" یک "سبد" با مقوا و چیزهای دیگر درست کنند. این کار علاوه بر ایجاد انگیزه در تدریس درس جدید، به بهبود حیطه ی مهارتی دانش آموزان نیز کمک می کند.

پ) تهیه متن توسط معلم: در این روش معلم باید یک متن آماده کرده و از دانش آموزان بخواهد تا دور حروف مشخص شده را خط بکشند.

ت) تهیه شکل مناسب برای هر نشانه: برای معنی دار کردن حروف و نشانه ها می توانیم از دانش آموزان بخواهیم، تا یک شکل مرتبط با نشانه جدید در یک برگه نقاشی کنند و آن را در پوشه کار قرار دهند. هر جلسه تعدادی از بهترین کارها را نیز بر روی تابلوی دیوار کلاس نصب کنیم.

ث) تهیه جدول ترکیب صداها: در اینجا یک جدول برای ترکیب نشانه های خواننده شده آماده کنیم و آن را بچه ها با کمک اولیاء در منزل تمرین کنند. البته مشابه این جدول ها در کتاب «بنویسیم» موجود است.

ج) تهیه جدول نشانه های خواننده شده: برای اجرای این روش آموزگار ابتدا باید جدولی تهیه کرده و در خانه های آن نشانه ها را قرار دهد (برخی از حروف تدریس شده و برخی از حروف هنوز تدریس نشده است). در ادامه از دانش آموزان می خواهد که خانه نشانه های خواننده شده را رنگ بزنند. پس از اتمام کار این برگه داخل پوشه کار دانش آموز قرار گیرد.

ح) دفتر جمله سازی: به عقیده برخی از معلمان، دانش آموزان کلاس اول ابتدایی بهتر است دفتر جمله نویسی جداگانه ای هم داشته باشند. در ساده ترین حالت می توان، بعد از تدریس چند نشانه کلماتی را به دانش آموز داد، تا با آن جمله بسازند (که حتی خود این روش در حیطة نوشتن فعال به شمار می آید). می توان جمله ای ساده را به صورت در هم ریخته به دانش آموزان داد تا آن را مرتب کنند.

خ) ترتیب دادن بازی: از راه بازی و مسابقه و هر چیز دیگر که مورد علاقه دانش آموزان هست به آن ها کلمات را آموزش دهیم. مانند مسابقه بین و بگو و... (ابتدا شکل نوشتاری چند کلمه را به آن ها نشان می دهیم و سپس از آن ها می خواهیم با یاد آوری برای ما بنویسند و امتیاز بگیرند و...).

بحث و نتیجه گیری

یکی از عظیم ترین و حساس ترین حقوق کودکان، حق زبانی و دقیق تر بگوییم زبان آن هاست. وسیله ای که جهان درون و بیرون کودک با آن تبیین می شود، با آن لمس می گردد و همراه با آن رشد می کند. پژوهش های انجام گرفته نیز همین مسئله را آشکار می سازد که آموزش به زبان مادری از نظر روان شناختی، اجتماعی، عاطفی و آموزشی کودک را تحت تأثیر قرار می دهد و موجب ارتقاء او از نظر تفکر و رشد زبانی و ذهنی می شود. همچنین از نارسائی های موجود که تحت تأثیر این عوامل به وجود می آید نیز می کاهد. تعمق در نتایج تحقیقات انجام گرفته و پیشینه ی نظری و عملی برنامه ی درسی زبان آموزی نشان می دهد که لحاظ نکردن تفاوت های زبانی مناطق و نواحی گوناگون در برنامه ی درسی زبان آموزی فارسی و اجرای برنامه های آموزشی یکسان در همه ی مناطق و نواحی، به فراهم سازی فرصت های آموزشی مناسب منجر نمی شود. از این رو ضروری به نظر می رسد که برای پیشبرد اهداف آموزشی و رسیدن به وضعیت مناسب آموزشی و فرهنگی در مناطق و نواحی غیرفارسی زبان، در برنامه ی درسی کتب فارسی دوره ی ابتدایی، مؤلفه هایی مناسب و مطابق با نیازهای دانش آموزان دو زبانه، در نظر گرفته شود. قابل اشاره است که در اغلب کشورهای پیشرفته، برنامه ی درسی زبان آموزی دوزبانه ی مناسب، طراحی و به اجرا گذاشته می شود. این پژوهش نشان داد معلمان مناطق دو زبانه، چالش های گوناگونی ضمن تدریس به زبان فارسی در مدارس دارند. به این معنا که نوعی عدم هماهنگی میان زبان نوشتاری و زبان شفاهی بومی وجود دارد و به نظر می رسد

که ایجاد هماهنگی میان زبان شفاهی بومی و زبان نوشتاری ضرورتی مهم می باشد. معلمان بر این امر تأکید داشتند که باید قواعد جمله سازی برای دانش آموزان خوب تدریس شود و اگر آن ها دچار مشکلاتی از این قبیل شدند از آن ها نباید ساده گذشت، زیرا اگر نواقصی در زبان، به ویژه زبان شفاهی پدید آید و به موقع اصلاح نشود، این مشکلات نهادینه شده و در حافظه گفتاری کودک ذخیره می شود و در آینده اصلاح آن ها مشکل تر خواهد بود. با توجه به راهکارها و توصیه های آموزگاران که سالیان متمادی در مناطق دو زبانه تدریس کرده اند، یکی از عوامل مؤثر در میزان موفقیت کودکان در یادگیری زبان دوم، یادگیری زبان مادری می باشد. و اساسی ترین راه ممکن برای تحقق این امر، از یک سو تدوین کتاب ها و روش های تدریس مناسب با موقعیت های متفاوت و آموزش صحیح و اصولی زبان فارسی به کودکان غیر فارسی زبان می باشد و از سوی دیگر تدوین کتاب هایی که در کنار کتاب های درسی موجود، زبان مادری آن ها را نیز تقویت و گسترش دهد. کتاب های درسی دارای اشکال اساسی هستند و آن پرداختن به زبان معیار و بی توجهی به زبان ها و گویش های محلی گوناگونی است که تنوع آنها در کشوری مانند ایران بسیار زیاد است. مهم ترین مشکلی که در این زمینه به وجود می آید سردرگمی دانش آموزان در تطابق زبان خود با زبانی است که تاکنون آن را به کار نبرده اند و آشنایی اندکی در حد برنامه های تلویزیون و دیگر رسانه ها با آن دارند؛ بنابراین، در درک و فهم مطالب درسی با مشکل مواجه می شوند. بیشتر معلمان بر این باور بودند که کتاب های درسی و متن آنها دارای اشکالاتی هستند که مهم ترین آن مربوط به نظام متمرکز است. متون درسی را باید با توجه به امکاناتی که در هر منطقه وجود دارد و رسانه های ارتباطی موجود در آن منطقه و سطح سواد افراد تنظیم کرد. اکثر معلمان بر این امر تأکید داشتند که ضروری است سازمان تالیف کتاب های درسی، برنامه ی درسی زبان آموزی مناسبی را برای مناطق دو زبانه، طراحی و به اجرا بگذارد و برنامه ریزان و مولفان کتاب های درسی تفاوت های زبانی، قومی و محلی هر کدام از اقوام ایرانی را در تهیه متون درسی مد نظر قرار دهند.

منابع

- احتشامی، طیبه. موسوی، سید غفار. (۱۳۸۸). مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مناطق دوزبانه با دانش آموزان تک‌زبانه استان اصفهان در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷. چکیده مقالات اولین همایش ملی دوزبانگی و آموزش (چالش‌ها، چشم‌اندازها و راهکارها). ناشر: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- افشاری، علی. صادقی، ناهید. هناره، رضا. (۱۳۹۵). تأثیر بازخورد به زبان بومی و رسمی بر پیشبرد خواندن و نوشتن دانش آموزان دوزبانه. نشریه علمی-پژوهشی آموزش و ارزشیابی. سال نهم شماره ۳۴. ۱۱۱-۱۲۶.
- بریچی، جلیل. (۱۳۹۵). مصائبی که دانش‌آموزان دوزبانه و معلمان‌شان برای درس خواندن و آموزش دارند/ روایتی از یک روش آموزشی جدید. خبرگزاری خبر آنلاین.
- بلوچ زهی، صادق. (۱۳۹۶). تأثیر تدریس دو زبانه بر یادگیری حل مسئله و محاسبات ریاضی در دانش‌آموزان دو زبانه کلاس اول. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته آموزش ابتدایی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز.
- تامرادی منگنانی، فریدون. (۱۳۹۶). بررسی تجربه زیسته آموزگاران شهر اهواز از آموزش به دانش‌آموزان دو زبانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- حسینی، نگین. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین دو زبانه بودن با اعتماد به نفس و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی شهرستان مریوان در سال ۸۹-۱۳۸۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور تهران.
- حمادی، حمید. فقیهی، علیرضا. سیفی، محمد. ناطقی، فائزه. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل کیفی انواع مدل‌های آموزش دانش‌آموزان دوزبانه. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ویژه‌نامه بهار. ۸۵۱-۸۴۰.
- خدیبوی، اسدالله. (۱۳۸۸). دوزبانگی: مفاهیم، تمایزات و امتیازات شناختی، ماهنامه علمی-پژوهشی، پژوهش‌نامه آموزشی (ویژه‌دوزبانگی). شماره ۱۱۹. ۱۵-۱۳.
- درمان، رضا. (۱۳۹۳). مصائبی که دانش‌آموزان دوزبانه و معلمان‌شان برای درس خواندن و آموزش دارند/ روایتی از یک روش آموزشی جدید. خبرگزاری خبر آنلاین.
- شریف، مصطفی. نوروزی، رضا علی. موسوی زاده، میرمحمد. (۱۳۹۱). امکان‌سنجی برنامه‌ریزی درسی دوزبانه در آموزش ابتدایی: مطالعه‌ی موردی استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، مجله‌ی «پژوهش‌های برنامه‌ریزی درسی» انجمن مطالعات برنامه‌ریزی درسی ایران، دوره‌ی دوم، شماره‌ی اول، ۷۳-۸۵.
- عصاره، فریده. (۱۳۹۲). پیشنهاد الگویی برای برنامه‌ریزی زبان‌آموزی پایه‌ی اول در مناطق دوزبانه. مجموعه مقالات همایش دوزبانگی و آموزش: چالش‌ها، چشم‌اندازها و راهکارها. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- فیاضی، علی. (۱۳۹۳). بررسی هوش چندگانه، حاکمیت نیمکره‌های مغزی و دانش دستوری و واژگانی زبان انگلیسی دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه‌ی سال چهارم متوسطه در استان‌های فارس و خوزستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور.
- قادری، مصطفی. بلندهمتان، کیوان. هواس بیگی، فاطمه. بابکانی، سمیرا. (۱۳۹۶). تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی در مورد چالش‌های تدریس به زبان فارسی در مناطق دوزبانه. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۳. ۱۱۳-۹۶.
- قوامی لاهیج، سارانا. قوامی لاهیج، علیانا. (۱۳۸۸). بررسی نظریه‌ها و عوامل مؤثر بر دوزبانگی: رشد زبان و رشد ذهنی، مؤثر بر تعامل اجتماعی. ماهنامه علمی-پژوهشی، پژوهش‌نامه آموزشی (ویژه‌دوزبانگی). شماره ۱۱۹. ۹-۵.

- کرسول، جان. (۱۳۹۱). پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم نگاری، مطالعه موردی). مترجمان: حسن دانایی فرد و حسین کاظمی. تهران: انتشارات صفار اشراقی.
- کلانتری، رضا. (۱۳۹۰). لزوم طراحی برنامه ی درسی آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه با نیم نگاهی به سختی های آموزش فارسی به ترک زبانان. مجله رشد آموزش ابتدایی. دوره ۱۴. شماره ۸.
- مدرس، سولماز. (۱۳۹۳). عامل زبانی و میزان افت تحصیلی دانش آموزان دوزبانه. ماهنامه علمی - پژوهشی، پژوهش نامه آموزشی (ویژه دوزبانگی). شماره ۱۱۹. ۲۶ - ۲۳.
- مصرآبادی، جواد. دشتی، فاطمه. زوار، تقی. (۱۳۹۶). نیمرخ های دانش آموزان تک زبانه و دوزبانه براساس مشکلات خواندن و نوشتن. فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی. دوره ۱۳. شماره ۳. ۲۱۰ - ۱۸۷.
- محمدی، صمد. (۱۳۹۳). برنامه درسی چند فرهنگی؛ آسیب شناسی آموزش به زبان فارسی از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دبیرستانی گُرد زبان شهرستان سنقر و کلیایی در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته برنامه ریزی درسی. دانشگاه کاشان. دانشکده علوم انسانی، گروه علوم تربیتی.